

تاثیر معلمان خلاق در پرورش تخیل دانش آموزان

رقیه دلبندا^۱، ندا وکیلی^۲ و سمیه بدرزاده^۳

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد تبریز

۳. کارشناسی مشاوره، دانشگاه پیام نور واحد شبستر

چکیده

بهترین محیط برای رشد و پرورش خلاقیت های دانش آموزان، کلاس درس است و بهترین فردی که می تواند در این فرایند رشد نقش اساسی و موثر داشته باشد معلم است زیرا با شناخت ویژگیهای فردی دانش آموزان می تواند به تناسب توانمندی برای بروز ابتکارات و خلاقیت ها زمینه سازی و برنامه ریزی کند هدف از انجام این تحقیق، بررسی نقش معلم خلاق در پرورش تخیل دانش آموزان است روش مطالعه در این تحقیق به صورت مطالعه کتابخانه ای بوده است. برای این منظور از مطالب موجود در مقاله، تحقیق های چاپ شده و همچنین مطالب دیجیتالی استفاده شده است. نتایج نشان داده است که تمام انسان ها دارای قوه خلاقیت و نوآوری هستند؛ برخی در یک زمینه دارای خلاقیت و نوآوری بیش تر و برخی در زمینه ای دیگر. خلاقیت و نوآوری می تواند به وسیله معلمان در دانش آموزان شکوفا گشته و یا از بین برود. بنابراین، باید محیط و فضای مساعدی برای رشد و پرورش قوه خلاقیت و نوآوری دانش آموزان فراهم آورد.

کلید واژه: معلم، خلاقیت، دانش آموزان

مقدمه

برای فعال شدن شاگردان در کلاس معلم راه های یادگیری را به شاگردان دیکته نمی کند، بلکه شیوه های مختلف یادگیری را پیش پای آنان قرار می دهد تا با استفاده از نیروی خلاقیت و ابتکار خود مسیر و روش یادگیری را جست و جو نمایند. یکی از روش های تقویت روحیه خلاقیت در فراگیرندگان، بارش فکری یا مغزی است. این روش فعال و خلاق را می توان به صورت راهبردی برای تدریس ارائه داد و مراحل منظم اجرایی بعضی موضوعات درسی را از طریق آن تدریس کرد. معلم باید زمینه ای فراهم کند که همه دانش آموزان تفکر نمایند و بدون نگرانی تفکرات خویش را اظهار نمایند. همچنین معلم باید شرایط آموزشی را به گونه ای ترتیب دهد که شاگردان مطمئن شوند که اختلاف نظر آنان با معلم مشکلاتی برای آنان نخواهد داشت. شگرد خاص طرح سوال وسیله ای است که استعداد خلاق کودکان را باور می سازد. یکی از شیوه هایی که می توان کودکان را بیش تر به تفکر خلاق واداشت، این است که آنان به کمک کنیم تا هر چیز را به کارگیری قوه تخیل و ابتکار خود به وضعیت دلخواه و مطلوب در آورند.

معلم خلاق به روش های یاددهی و راهبردهای یادگیری کلیشه ای واز قبل تهیه شده اکتفا نمی کند بلکه به تناسب موضوع آزادی به دانش آموزان می دهد و از هر نوع فناوری مناسب آموزشی استفاده می کند برای معلم زمینه ساز خلاقیت، محل آموزش ثابت و مشخص و استاندارد نیست می تواند به هنگام ضرورت از محل یادگیری غیر از کلاس درس استفاده کند (۱).

روش **تدریس** یکی از مهم ترین نیازهای جوامع بشری و از محورهای توسعه می باشد. در مدارس جایگاه ویژه ای برای این امر در نظر گرفته شده است تا بدین وسیله تفکر خلاق پرورش یابد. روش های **تدریس** مبتنی بر ذهن، موجب پرورش مهارت های رفتاری و عملکردی، پرورش و رشد قدرت تفکر، پرورش مهارت های هنری، رشد مهارت های ابداعی و خلاقانه در دانش آموزان ابتدایی می شود. نتایج نشان داد که روش های نوین **تدریس** با رویکرد فعال بر پرورش تفکر در دانش آموزان موثر است. تدریس رویکرد فعال بر پرورش تفکر خلاق پایه ابتدایی و دانش آموزان به شیوه آموزش سنتی اثر مثبت دارد. استفاده از شیوه هایی که متکی بر مشارکت فعال دانش آموزان در درس و بحث باشد و به دانش آموزان فرصت کافی جهت ارائه یافته های خود، راه حل های مختلف برای حل مسائل و شیوه های ابتکاری داده شود، در کلیه فعالیت های فوق برنامه باید برای دانش آموزان میدان عمل جهت بروز و پرورش ابتکارات و **خلاقیت** داده شود و از جاذبه این گونه فعالیت ها جهت پرورش روح تفکر و تحقیق در دانش آموزان استفاده شود.

کارل راجرز در این زمینه می نویسد: «روشن است که خلاقیت و نوآوری را نمی توان با فشار ایجاد کرد، بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند. همان گونه که زارع نمی تواند جوانه را از دانه بیرون بیاورد، اما می تواند شرایط مناسبی برای رشد دانه فراهم آورد. در مورد خلاقیت و نوآوری هم همین شرایط صادق است. باید زمینه ای مساعد برای رشد و توسعه خلاقیت و نوآوری در فرزندان و دانش آموزان فراهم آورد. از جمله تجربیات من در روان شناسی این است که می توان با فراهم کردن امنیت روانی و آزادی، احتمال ظهور خلاقیت و نوآوری سازنده را افزایش داد. (۲).

روشن است که هر کسی ممکن است در زمینه ای خاص خلاقیت و نوآوری داشته باشد. از هر کسی در هر زمینه نمی توان انتظار خلاقیت و ابتکار داشت. باید این بسترها و علایق و زمینه ها را شناسایی کرده و زمینه رشد آن ها را فراهم نمود. نوآوری در آموزش شامل فرآیندهای آموزش از طریق خلاقیت و نوآوری است. منظور از فرآیندهای آموزش خلاقیت هرگونه آموزشی است که سعی در ایجاد تفکر و عملکرد خلاقانه دانش آموزان دارد. در حالی که آموزش نوآورانه به اجرای شیوه های نوآوری در آموزش اشاره دارد تا یادگیری را برای دانش آموزان جالب تر و مؤثرتر کند. نوآوری در آموزش و خلاقیت در یادگیری، نقش های جدید و مهمی را برای یادگیرنده و معلم پیش بینی می کند که عمدتاً به عنوان مربی، مدرس و تسهیل گر در فرآیند یادگیری عمل می نماید.

رفتار و عملکرد معلم می تواند زمینه های رشد خلاقیت را در دانش آموزان ایجاد کند. طبق الگوی جدید، معلمان از طریق پنج عملکرد اساسی می توانند زمینه های رشد خلاقیت را در دانش آموزان فراهم کنند. این پنج عامل شامل عوامل شخصیتی، حرفه ای، برنامه درسی، محیط آموزشی و ایجاد فرصت هایی برای حل مسئله است. معلم خلاق، محیط آموزشی و برنامه درسی مناسب می تواند دانش آموز را خلاق کند و این سه اصل الگوی سیستم خلاق ویلیامز هستند.

«امروزه آموزش در اغلب کشورهای پیشرفته متحول شده و سعی می شود با شکستن چارچوب های آموزش سنتی و به کارگیری روش های جدید، آموزش ها موثرتر و کارا تر شود و بدین ترتیب فکر دانش آموزان پرورش یابد امروز پیشرفت های اخیر صنعت، رایانه و مخابرات راه هایی برای بهبود امر یادگیری و دسترسی به اطلاعات بیشتر شده است تا یادگیری حالتی خودآموز شود و بدین ترتیب با مشغول کردن افکار برای استقلال در یادگیری، موجب رشد تفکر خلاق و در نهایت باعث پیدایش آثار خلاقیت شود. به طور کلی معلمان باید برای حل مسائل، فرصت هایی را ایجاد کنند که نیازمند تفکر خلاق باشد. بلوم معتقد است معلمان نقش مهمی در رشد کودکان خلاق و مستعد بازی، ایفا می کنند. بل والاس می گوید: در کلاس های خلاق، فکر بیش از حافظه ارزش دارد. معلم، تعادلی بین امنیت روانی و آزادی برقرار می کند تا دانش آموز بتواند ریسک کند، معلم هدایتگر و تسهیل کننده است.

مشکلات مدارس در پرورش خلاقیت دانش آموزان

کودک هنگام تولد میزانی از خلاقیت را با خود به همراه می آورد و در حدود سن ۲ سالگی این خلاقیت نمود ظاهری پیدا می کند. برای مثال کودک ۲ ساله بر چوبی سوار شده و می گوید این اسبم است یا با خمیر اشکالی می سازد که از نظر ما بزرگسالان بی معناست ولی برای او ماشین، آدم و چیز دیگری است، کودک پیش دبستانی وقتی قلم به دست می گیرد طرح هایش را آنچنان می کشد که از ذهن خلاقش نشأت گرفته است، خانه نقاشی او با خانه کلیشه ای که ما بزرگسالان در ذهن داریم متفاوت است، او پرشور و خلاق است، با اشیای گوناگون چیزهایی می سازد و در ذهن به آن جان می بخشد و داستان های خیالی می گوید، می خواهد بداند، کشف کند، او کنجکاو است و مشتاق، اما معما اینجاست که چرا این کودکان با استعداد و فعال به بزرگسالانی تبدیل می شوند که از به کارگیری تفکر هوشمند و خلاقیت خود لذت نمی برند، چرا و چگونه زندگی که چنان امیدوارکننده آغاز می شود در اکثر موارد پایانی یأس آور و ناخوشایند دارد؟

تحقیقات تورنس (۱۹۶۲) نشان داده است که کودکان تا سن ۱۰ سالگی در اوج خلاقیت هستند اما وقتی در شرایط مدرسه قرار می گیرند و از آنها انتظار می رود که پاسخ های مشخص و قالبی به سوالات بدهند و تحت ارزشیابی قرار می گیرند، خلاقیت آنها به تدریج کاهش می یابد. بنابراین باید سیستم آموزشی مدارس از حالت آموزگار محوری و تاکید بیش از حد به سطح بازگویی، خارج شده و به کودکان در آموزش نحوه تفکر و رسیدن به سطوح بالای شناختی یعنی فراشناخت کمک کند.

بر اساس اهداف منتشره از سوی وزارت آموزش و پرورش، «پرورش استعدادها و کمک به تقویت خلاقیت» یکی از اهداف آموزش و پرورش محسوب می شود و مدارس باید در راستای تحقق این هدف به رشد و پرورش خلاقیت دانش آموزان بپردازند؛ لیکن در اکثر موارد خودآگاه یا ناخودآگاه موجب تضعیف و حتی تزییع خلاقیت می شوند. از مهم ترین موانع پرورش خلاقیت در مدارس می توان موارد زیر را برشمرد:

تاکید بر محفوظات، تکالیف زیاد، عدم توجه به تفاوت های فردی، وجود کلاس های پرجمعیت، انضباط سخت و زورمدارانه، برنامه درسی و جدول ساعات غیرقابل انعطاف برای فعالیت های کلاس، عدم آشنایی معلمان با ویژگی های دانش آموزان خلاق، روش های تدریس سنتی و مبتنی بر معلم محوری، تاکید زیاد بر نمره دانش آموزان به عنوان ملاک خوب بودن، عدم پذیرش ایده های جدید، شخصیت جدی معلم، استهزاء و طعنه، تحت فشار قراردادن برای همنوایی با دیگران، فرهنگ سکوت در مقابل اظهار نظر معلم، تاکید بر تفکر همگرا به جای تفکر واگرا، عدم تجهیز منابع و امکانات و تکیه بر سطوح اولیه حیطه شناختی. (۳).

وجود شرایط فوق‌الذکر چون سد محکمی در مقابل توسعه خلاقیت دانش‌آموزان خواهد بود و در صورت از بین رفتن این شرایط، خلاقیت ارتقا پیدا خواهد کرد. در محیط مدرسه عوامل متعددی در خلاقیت دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد که در یک دسته‌بندی کلی به جو حاکم بر مدرسه، محتوا و مواد آموزشی و معلم تقسیم می‌شوند، در اینجا هر کدام را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) جو حاکم بر مدرسه

جان دیویی - متفکر بزرگ مسائل تربیتی - معتقد است مدرسه باید خودکاری دانش‌آموز را تشویق کند اساس کار مدرسه نباید فقط تبعیت و فرمانبرداری باشد و مقررات را مدار قرار ندهد تا دانش‌آموز بتواند به پرورش خلاقیت بپردازد. در صورتی که در حال حاضر مشکل اساسی مدارس این است که در آنها اندیشه‌های خلاق یادگیرندگان به سبب غیرمعمول بودن، نه تنها مورد تشویق قرار نمی‌گیرند، بلکه مورد ایراد و سرزنش واقع می‌شوند؛ سرزنش دانش‌آموزان به خاطر داشتن رفتار و افکار غیرقالبی، می‌تواند ریشه‌های تفکر خلاق و توانایی کشف مسائل تازه را در همان روزهای نخستین آموزش مدرسه‌ای در آنها بخشکاند. (۴).

اگر بخواهیم خلاقیت دانش‌آموزان را توسعه دهیم و امکان بروز استعدادها بالقوه را در آنان فراهم سازیم، باید در جو حاکم بر محیط آموزشی تجدیدنظر کنیم. برای مثال، نمی‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که از جای خود تکان نخورند، در طرز نشستن، حرف زدن و لباس پوشیدن‌شان از یک الگوی واحد پیروی کنند، همان پاسخی را به سؤالات بدهند که از نظر معلم تنها پاسخ صحیح است و در عین حال خلاق هم باشند. البته منظور این نیست که هرچ‌ومرج و بی‌نظمی در مدرسه حاکم باشد، زیرا لازمه هر آموزشی نظم است. هدف برقراری نظم و مقررات قابل انعطاف است. یعنی نظم مربوط به مسائل کلی باشد و جزئیات رفتار و گفتار را تحت تاثیر قرار ندهد.

اگر مدرسه به جای جوی سلطه‌جویانه و غیرقابل انعطاف از جوی مناسب و حمایت‌کننده برخوردار باشد، هم معلم با احساس امنیت و آسودگی خیال می‌تواند به ارائه طرح‌های جدید و موثر بپردازد و هم دانش‌آموزان با اعتماد به نفس و ایمنی روان‌شناختی به انجام فعالیت‌های خلاق می‌پردازند.

ب) محتوا و مواد آموزشی

امروزه در دنیا یکی از مباحثی که در امر یاددهی - یادگیری به شدت روی آن تاکید می‌شود، یادگیری چگونه «فکر کردن» و چگونه «یاد گرفتن» است، نه «چه یاد گرفتن». گاهی توجه بیش از حد به «چه یاد گرفتن» سبب می‌شود از نظر کمیت مفاهیم زیادی را در ذهن دانش‌آموزان انباشته کنیم - به آنها ماهی می‌دهیم آن هم به مقدار زیاد که ناچارند مازاد آن را دور بریزند - و توجهی به چگونگی یاد گرفتن آنها و مفید بودن مواد آموخته شده برای زندگی حال و آینده دانش‌آموزان نداشته باشیم. با توجه به این مطالب برای طرح‌ریزی محتوا و مواد آموزشی توجه به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد که عبارتند از: (۵).

۱- ایجاد پیوند عاطفی و شناختی با برنامه درسی

دانش‌آموزان زمانی محتوای یک برنامه درسی را به نحو مطلوب یاد می‌گیرند که این محتوا، با توانایی‌های آنان مطابقت داشته باشد، محتوا زمانی قابل یادگیری است که با توجه به دانش پیشین و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان انتخاب شده باشد، در این صورت بین دانش‌آموز و محتوای آموزشی پیوند شناختی برقرار می‌شود.

مطالب آموزشی باید برای فرد مفید باشد - یعنی یاد گرفتن و یاد نگرفتنش یکسان نباشد - اگر دانش برای دانش‌آموز معنادار بوده از زندگی او نشأت گرفته باشد و برای آینده او مفید باشد، با اطمینان می‌توان گفت پیوند عاطفی بین فراگیر و برنامه درسی پیوند عاطفی برقرار شده است.

۲- فرصت مناسب برای فعالیت یادگیری چندگانه

تدارک فرصت‌های یادگیری، توصیف‌کننده جوی از یادگیری است که طی آن دانش‌آموزان به طیفی از معانی و مفاهیم دست می‌یابند. فرصت‌های یادگیری ارائه شده باید زمینه‌های خوداتکایی و خودآموزی دانش‌آموزان را فراهم سازد. توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که محتوا نباید بر «دانش نظری» تمرکز داشته باشد، بلکه توجه به عنصر فعالیت‌ها و مهارت‌ها دانش‌آموز را از نظر روانی آماده یادگیری مداوم و خلاق می‌کند.

۳- ارتباط محیط کلاس با محتوا و ضوابط برنامه

در تنظیم محتوا براینکه باید شرایط و ویژگی‌های محیط کلاس، مورد توجه دقیق برنامه‌ریز قرار گیرد، باید زمان و بودجه کافی جهت اجرای مناسب برنامه مطلوب اختصاص داده شود.

۴- ارتباط مواد آموزشی و محتوا

امروزه در برنامه‌ریزی درسی بسته‌های آموزشی شامل کتاب درسی، کتاب‌های کمک‌آموزشی، وسایل آموزشی، سؤالات ارزشیابی و راهنمای درسی همه با هم در نظر گرفته می‌شوند، در بسیاری از کتاب‌های درستی تحولات مثبتی در حال رخ دادن است و اندکی از برنامه‌های تلویزیونی سعی دارند در راستای برنامه‌های آموزش و پرورش گام بردارند اما باید توجه داشت که همگام با تحولات کتاب‌های درسی و به طور کلی بسته آموزشی (این بسته‌های آموزشی باید در اختیار همه مدارس قرار گیرد) معلمان نیز باید آمادگی و مهارت لازم جهت ارائه محتوای مطلوب را کسب کنند، چرا که یک طرح مطلوب و خلاق زمانی موفق است که به اجرا درآید. نمی‌توان دروسی را که برای الگوهای تدریس فعال طرح‌ریزی شده با روش سنتی و معلم محور اجرا کرد و انتظار موفقیت داشت. (۶).

ج) معلم

معلمان در فرآیند یاددهی- یادگیری و ایجاد تفکر خلاق در دانش‌آموزان دارای نقش اساسی هستند. خلاقیت معلم، نگرش وی نسبت به خلاقیت، سبک تدریس، شیوه اداره کلاس و حتی شخصیت معلم در پرورش تفکر خلاق و ایجاد تفکر انتقادی نسبت به مسائل دانش‌آموزان تاثیر فراوانی دارد. در واقع موثرترین و کارسازترین مولفه نظام تعلیم و تربیت معلم است. این بدان معنا نیست که سایر مولفه‌های نظام تعلیم و تربیت از قبیل برنامه درسی، مدیریت و... بی‌تاثیر است، بلکه اولاً تاثیرگذاری این مولفه‌ها با معلم برابری نمی‌کند و ثانياً این تاثیرگذاری نوعاً به صورت مستقیم نبوده و با عبور از صافی معلم که مرکب از ذهنیت‌ها، نگرش‌ها و قابلیت‌های اوست، نهایتاً بر دانش‌آموز تاثیر می‌گذارد.

همچنان که بیان شد معلم از ابعاد و جنبه‌های مختلف در شکوفایی خلاقیت دانش‌آموزان موثر است. به همین جهت در ادامه بحث این جنبه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- نحوه نگرش معلم

نگرش و دیدگاه معلم نقش مهمی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان ایفا می‌کند. اکثر معلمان از شاگرد بسیار سازگار که اجتماعی، با ادب و خویشتن‌دار و مطیع قدرت است، خشنود و راضی هستند. در مقابل دانش‌آموزان خلاق به سبب آنکه سؤالات متعدد مطرح می‌کند، قوه تخیل فوق‌العاده دارند، با جمع هماهنگ نیستند، اغلب دردسرافرین هستند و به طور کلی رفتارشان قابل پیش‌بینی نیست، مورد استقبال معلمان قرار نمی‌گیرند.

براساس یافته‌های گتز و جکسون شاگردانی که تفکر واگرای بالاتری دارند کمتر از همگراها محبوب معلمان هستند؛ شاید افکار واگرا اغلب مبتکرانه و ارزشمند باشند، از سوی دیگر ممکن است عجیب و احمقانه به نظر برسند و سبب شوند که معلم شک کند که شاید کودک می‌خواهد بازی درآورد، در نتیجه این برداشت نه تنها از ابتکار استقبال نمی‌شود بلکه سرکوب نیز می‌شود. همچنین برونر می‌گوید که معلمان در آموزش و پرورش عادت دارند که به پاسخ‌های درست پاداش دهند و پاسخ‌های غلط را مجازات کنند. این امر سبب می‌شود کودکان میلی به تلاش برای یافتن پاسخ‌های بدیع نداشته باشند، زیرا بی‌تردید با انجام این کار احتمال خطا

بیشتر می‌شود. معلم باید آماده کار در حال و هوایی باشد که تلاش‌های خلاق در آن تشویق می‌شوند و پاداش می‌گیرند، نه در محیطی که فقط راه‌حل‌های محتاطانه و همگرا تشویق می‌شوند (۷).

۲- نقش الگویی معلم

آرتور کاترین و رابرت بی‌سند معتقدند که معلمانی که از خود رفتار خلاق نشان می‌دهند، محیط‌های کلاس درسی به وجود می‌آورند که خلاقیت را ارتقا می‌دهد. به علاوه آمابیل (۱۹۸۹) معتقد است که معلمان با بیان آزاد احساس خویش مانند عشق، شادی و کنجکاوی نسبت به امور می‌توانند الگوی مناسبی برای کودکان باشند. در واقع معلم نواندیش به صورت خودبه‌خودی دانش‌آموز خود را نواندیش می‌کند؛ یعنی روحیه، احساس، عاطفه و انگیزه پرورش و خورش را به دانش‌آموز انتقال می‌دهد. در اصل حتی اگر معلم به دانش‌آموز چنین صفت یا خصلتی را انتقال ندهد، خود دانش‌آموز چنین روحیه مثبتی را از معلم می‌گیرد و شاید سرایت چنین خوی و خصلتی از سوی معلم به دانش‌آموز برخاسته از اصل سرایت روانی است. پس چه انتقال خودآگاه و چه انتقال ناخودآگاه چنین توانمندی‌ای هر دو موجب پرورش نواندیشی و نوآوری شاگرد می‌شود. (۲)

البته این بدان معنا نیست که آموزگاران که خود خلاق نیستند نمی‌توانند خلاقیت را در دانش‌آموزان تشویق کنند، بلکه هر آموزگاری می‌تواند کوشش کند خلاقیت را در دانش‌آموز بازشناسی و فرصت‌هایی برای وقوع آن فراهم سازد.

۳- نقش عاطفی معلم

ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت، مستلزم وجود جوی صمیمی و مطمئن در کلاس درس است. دانش‌آموز باید بتواند با آسودگی در کلاس به اظهار نظر بپردازد و بدون نگرانی هر سؤالی را که در ذهن دارد مطرح کند. معلمان خشک، مقرراتی و مستبد- آنها که دانش‌آموزان را برای صحیح نشستن در نیمکت‌های منظم و مستقیم ردیف شده و محکم نگهداشتن پاها روی زمین تشویق می‌کنند- با مجبور کردن دانش‌آموز به اطاعت زیاد از مقررات قراردادی و تنبیه کارهای اشتباه کودکی که می‌خواهد به ناشناخته‌ها دسترسی یابد خلاقیت را خاموش می‌کنند. آنها با عدم توجه و یا پاسخ ندادن به سؤالات، پرسش‌گرایی لذت‌بخش کودکان خردسال را خرد می‌کنند. با توجه به مطلب فوق، نظام آموزش و پرورش زمانی موفق به پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان و به تبع آن پرورش نیروی انسانی کارآمد و خلاق برای جامعه خواهد شد که با تمام توان فرهنگی و امکانات اقتصادی برای حذف موانع موجود در مسیر پرورش خلاقیت اقدام کند.

راه‌های افزایش خلاقیت در دانش‌آموزان

خلاقیت وقتی در دانش‌آموز رونق می‌گیرد که آنها برای کشف و بررسی آزمایش و درگیر شدن با فکرهای گوناگون فرصت و شرایط لازم را داشته باشند. دانش‌آموزان برای شکوفاسازی خلاقیت خود به شرایط مناسب نیاز دارند. آنچه باعث خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شود، یک کلاس پرسش‌گراست. جایی که معلم و شاگرد پرسشهایی غیر معمول و چالش برانگیزی مطرح می‌کنند و فکرها و نظریه‌ها به روشهای مختلف دیداری، بدنی و کلامی عرضه می‌شوند؛ جایی که راهکارها و راه‌حل‌های تازه‌ای برای مسائل یافت می‌شود.

مهارتهای تفکر خلاق، عامل اساسی موفقیت در یادگیری به شمار می‌رود. رواج دادن تفکر خلاق روشی قدرت مند برای درگیر کردن بچه‌ها با امر یادگیری است. بچه‌هایی که به تفکر خلاق تشویق می‌شوند، روز به روز انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین، خلاقیت، مهارتهای انعطاف‌پذیری را که آنان برای رویارویی با آینده‌ای نامعلوم نیاز دارند، برایشان فراهم می‌سازد.

اما موانع زیادی ممکن است جلوی خلاقیت را بگیرند. یکی از این موانع‌ها شاید تدریس تدافعی معلمان باشد و شاگردان برای مدت طولانی با توقع اندک و فعالیت ناچیز کار کنند. هدف اصلی آموزش باید به وجود آوردن افرادی باشد که قابلیت دست زدن به فکرها و کارهای تازه را داشته باشند؛ نه اینکه فقط کارهای نسل گذشته را تکرار کنند. (۸).

انواع فکر خلاق

۱. **تفکر همگرا**: تفکر همگرا همان استدلال یا تفکر منطقی است که به دنبال یک جواب صحیح می‌گردد. این تفکر به فرایندی اشاره دارد که دانش آموز بدان وسیله تعداد زیادی حقایق و تداعیها را انتخاب میکند و آنها را در ترکیبهای خاصی کنار هم میگذارد تا از حاصل آنها یک جواب ممکن و صحیح به دست آید.

۲. **تفکر واگرا**: تفکر واگرا نمایا نگر نوع بسیار باز و آزادتر عمل فکری است که تعداد زیاد تداعیها و راه حل‌های ممکن، وجه تمایز آن به شمار می‌رود. تفکر خلاق با تفکر واگرا رابطه‌ی مستقیمی دارد.

۳. **تفکر فراشناختی**: تفکر فراشناختی به معنی اندیشیدن درباره‌ی فرایند اندیشیدن و تفکر است. فراشناخت به آگاهی خود کار یادگیرنده از دانش و توانایی خود در فهمیدن، کنترل و تسلط بر فرایندهای شناختی اطلاق می‌شود.

مدارس و خلاقیت

مدرسه‌های خلاق با تمرکز بر پرورش نه تنها دانش و مهارت‌های پایه بلکه نگرشها و مهارت‌های خلاقیت آمیزی که زیرساز یک عمر دانش‌اندوزی خواهد بود، شاگردان خلاق تری تحویل خواهند داد. چنین مدرسه‌هایی محرک دریافت داده‌های جدید را فراهم می‌سازند

معلم‌ان و به طور کلی آموزش و پرورش، درصدد آموزش مطالبی هستند که از نظر آنها پاسخ درست تشخیص داده می‌شود و می‌خواهند مطمئن شوند که غیر از آنها چیز دیگری مطرح نیست. به همین دلیل، آموزش و تدریس امری تجویزی و تحمیلی به شمار می‌آید که در فضایی محدود و بسته مطرح می‌شود و از امکان حرکت و تلاش بسیار می‌کاهد. در نهایت، آموزش به کاری خسته کننده مبدل می‌شود. یکی از مشکلات مدارس ما تکیه بر محفوظات است. (۹).

به طور کلی، مشکلات مدارس در زمینه‌ی تفکر خلاق را بدین ترتیب میتوان خلاصه کرد: عدم تفکر در امور و مسائل مختلف فردی و اجتماعی، فرهنگ سکوت در مقابل اظهار نظرهای معلم، تأکید بر تفکر همگرا به جای تفکر واگرا، به کارگیری روش منفعل به جای روش فعال، عدم توجه به روش حل مسئله، معلم مداری، و عدم تکیه بر تفاوت‌های فردی.

روشهای تدریس معلم‌ان نیز در افزایش خلاقیت دانش آموزان تأثیر به‌سزایی دارد. فرایند یادگیری زمانی بیشترین پیشرفت را خواهد داشت که بین دانش آموزان و معلم‌ان و سبک یادگیری آنها هماهنگی کاملی وجود داشته باشد. از آنجا که گاهی هماهنگی کامل امکان پذیر نیست، معلم‌ان باید از روشهای تدریس متعددی برای افزایش خلاقیت در دانش آموزان استفاده کنند. (۱۰).

ساختار کلاس درس هم در این زمینه بی تأثیر نیست. فضای کلاسی باید آنگونه ترتیب یابد که بتواند موجب برانگیختن قوای خلاق دانش آموزان شود. قرار دادن محرکات بصری در کلاس، ترتیب چیدن میزها و صندلیها، وسایل کمک آموزشی براساس نیازهای برنامه‌ی درسی از جمله مواردی هستند که در افزایش خلاقیت دانش آموزان تأثیرگذارند.

ویژگیهای یک مدرسه‌ی خلاق

مدرسه‌ی خلاق جایی است که در آن افراد، شاگردان و معلم‌ان با انگیزه اند؛ هدف مندند و آرمانهای نهایی و مقصد مشترک دارند؛ آمادگی پذیرش کارهای تازه، نوآوری و کاوشگری را دارند؛ برای موفقیت اشتیاق پرشور دارند؛ خطر کردن را از وظایف خود می‌دانند و تفاوت‌های فردی را می‌پذیرند.

مطالعات در تفکر خلاق در افراد نشان داده است که بین درجه‌ی دستکاری و کیفیت و کمیت پاسخهای ابتکاری همبستگی زیادی وجود دارد. همچنین محیطی دارای جو خلاق است که فضایی آزاد داشته باشد و خود یادگیری را تشویق و ارزیابی کند. در کنار هر موضوعی که تدریس می‌شود، باید فرصتهایی برای تقویت و توسعه‌ی عادت و مهارت انتقاد سازنده به وجود آورد.

معلمان باید در حین تدریس پرسشهای بحث برانگیز طرح کنند. گاهی از دانش آموزان بخواهند که خود مسئله را طرح کنند و به پاسخ آن بیندیشند. از روش بحث و گفتگو نهایت استفاده را در سر کلاس ببرند. از سؤالهای عجیب و ظاهراً بی ربط دانش آموزان استقبال کنند. روح پژوهشگری را در دانش آموزان ایجاد و تقویت کنند. از ایجاد رقابت منفی بین دانش آموزان به شدت بپرهیزند. قدرت تخیل دانش آموزان را تقویت کنند. از وسایل کمک آموزشی بیشترین استفاده را نمایند. اعتماد به نفس دانش آموزان را تقویت کنند.

برای دانش آموزان، متناسب با سن و نیازشان، آرمان سازی کنند. کلاس درس را به طور مشارکتی اداره کنند. دانش آموزان را به شرکت در کلاسهای هنری مثل خط، نقاشی، موسیقی، و عکاسی... تشویق کنند. و محیط کلاس را با نشاط کنند؛ زیرا نشاط باعث خلاقیت میشود.

موانع مؤثر در خلاقیت دانش آموزان عبارتند از: ترس از شکست و ریسک کردن و بررسی راههای مختلف، عادت دادن دانش آموزان به روشهای تکراری حل مسئله که باعث از بین رفتن خلاقیت آنها میشود. و عدم اعتماد به نفس که مانع بروز خلاقیت آنها میشود. ترس از عدم استقلال و ترس از تحقیر شدن توسط معلم. برنامه‌ی درسی فشرده، همراه با مدت زمانی محدود برای ارائه درس (۱۱).

نتیجه گیری

یکی از مکانهای پرورش و رشد خلاقیت، مدرسه است. هنگامیکه کودک وارد مدرسه می‌شود، فرایند اجتماعی شدن در محیط آموزشی شروع می‌شود. عوامل بسیار زیادی چون: تکالیف زیاد، تأکید بر حفظ دروس، اجرای برنامه‌های هماهنگ، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و سرانجام عدم شناخت یا بی توجهی به ویژگیهای کودکان خلاق، سبب می‌شود که قدرت خلاقیت آنان بتدریج کاهش یابد. اما اگر مدرسه شرایط خود و روشهای تدریس را بر پایه شناخت و پرورش استعدادها دانش آموزان، نیاز جامعه و نزدیک کردن محیط مدرسه به شرایط و زندگی بیرونی قرار دهد، می‌تواند در جهت شکوفایی خلاقیت در دانش آموزان گام بردارد. معلم خلاق به روش‌های یاددهی و راهبردهای یادگیری کلیشه‌ای واز قبل تهیه شده اکتفا نمی‌کند بلکه به تناسب موضوع آزادی به دانش آموزان می‌دهد و از هر نوع فناوری مناسب آموزشی استفاده می‌کند برای معلم زمینه ساز خلاقیت، محل آموزش ثابت و مشخص و استاندارد نیست می‌تواند به هنگام ضرورت از محل یادگیری غیر از کلاس درس استفاده کند. لذا میتوان نتیجه گرفت که با توجه به موارد ذکر شده معلمان نباید تجارب کودکان را به موارد خاصی محدود کنند و باید نسبت به اختلافات فردی یادگیرندگان با احترام برخورد نمایند و در پرورش استعدادهای ویژه آنان بکوشند. عواملی چون تکالیف درسی، تأکید بر حفظیات، اجرای برنامه‌های هماهنگ و انتظار رفتارهای یکسان از کودکان، عدم توجه به تفاوت‌های فردی، عدم شناخت یا بی توجهی به ویژگی‌های کودکان سبب می‌شود که قدرت خلاقیت آنان به تدریج کاهش یابد

منابع :

- ۱- آناستازی ؛ آن، تفاوت‌های فردی . ترجمه :جواد طهموریان ، چاپ سوم ، تهران : آستان قدس رضوی -۱۳۷۱
- ۲-شکلتن ، ویویان و فلچر کلیو . تفاوت‌های فردی . ترجمه : یوسف کریمی و فرهاد جمهوری ، تهران : انتشارات فاطمی - ۱۳۷۱

3-Gatzeles, J.W, & Gackson, P.W; (1962). Creativity and intelligen John Willy, New York.

4-Martinson; (1975). The identification of gifted and talented. Reston, V.A: Council for Exceptional children.

Magison; (2004). Effect of a creativity training program or ereative 5-abilities and self-concept in mono lingual elementary, roeper review. Vol 26, p 113.

- 6-McDonough, P & McDonogh, B. 1987. A survey of American colleges and universities on the conducting of formal courses in creativity. *Journal of Creative Behavior*. 21, 271- 282.
- 7- Mellou; (1996). Can creativity be nurtured in young children early child development and care V.
- 8- Parado, SH; (2002). Effects of a teacher training workshop on creativity, cognitive school achievement, high ability studies V13 N 1.
- 9-Renzulli Joseph, (1993); Through the pursuit of ideal act of learning gifted child Quarterly Vol. 36, No.4. Fall.
- 10-Smith, SL (1998). Teaching academic skills through the arts. *Moment*. Vol 29, n4. 19-22
- 11-Stenberg, R.J and William, W.M (1997); How to develop student creativity, Association for supervision and curriculum development, Virginia.